

دامگه حادثه

زنان در جنگ یکم جهانی چگونه با روی گرانه راه‌های آشتی‌رآمی جستند

برایم ترانه‌های از صلح بخوان

جنگ از دیدگاه‌های زشتی است که به دست انسان‌ها صورت می‌گیرد. هنگامی که سلاح و کشتار، جای گفت‌وگو و صلح را می‌گیرد، شعله‌اش دامن بسیاری را می‌سوزاند. تاریخ جهانی از آن نشان دارد که وقتی مردان برای جنگ خانه را ترک می‌کنند، زنان برای ایجاد آرامش و صلح می‌کوشند. در این جنگ‌ها اما زنان افزون بر صلح‌جو بوده، به گونه‌ای بی‌گناهی گسترده در جبهه‌ها حضور می‌یافتند. بدین ترتیب تاریخ‌نگار خود را عوض می‌کند و با حضور زنان بی‌گناهی دیگر می‌فرود جنگ یکم جهانی در سال ۱۹۱۴ میلادی با جرف‌های معروف یعنی ترور ژانوشک در لندن و فریدلند و لیه‌ها در آنت‌واپ، زنان جهان را در تقابل‌های صلح‌گرایانه اقتصادی‌شان اصلی جنگ اما به موقعیت کشورهای جهان پس از انقلاب‌های اجتماعی و سیاسی‌شان باز می‌گردد. آن‌ها علاوه بر زنان، بزرگ‌ترین اشغالگران و کودکان کشورهای اروپا و آسیای شرقی تا غرب اروپا و روسیه و فرانسه و بریتانیا و آمریکا و ژاپن و چین نیز به آرزوهای خود وارد شدند. ایران نیز با وجود اعلام بی‌طرفی از طرفی و درگیر شدن در این جنگ و آسیب‌های آن بر کنار نماند. پایان جنگ با پیروزی دوستان‌های پادشاهی ایران-ترکی-مجارستان، آلمان، عثمانی و روسیه‌تزاری همراه بود؛ پایانی که سفته‌شهرت‌های بازی‌های سیاسی را تغییر داد و اولین‌شده خود نیز زمینه‌های جنگ دوم جهانی را فراهم کرد.



زنان، زمین‌زندی و صلح را باور می‌کنند، نیک‌روست است که حضور در جبهه جنگ، دیگر از مورد سواستفاده‌های قرار می‌داد. تاریخ‌نگاران از تجاوز سربرازان آلمانی به زنان بلژیکی گزارش‌هایی به سمت داده‌اند که امروز آن را به عنوان جنایت‌های جنگی قلمداد می‌کنند. چهره‌های خشن و زشت جنگ، زندگی و حیات خانمان بسیاری را از زان تا زان دامن بردان ساخت. بسیاری از زنان از زان تا زان مردان و کسان‌جان حضور می‌کنند. همه‌همه‌ها را در رنج و سختی سپری می‌کنند. زنان در آلمان افزون بر آن‌چه از فقرها و وقایفی گوناگون که برعهده می‌آید و همه آنچه آنها می‌کردند، نیست. جالب توجه است که این دوران شکست‌های فراوان با گسترش همزمان بود فمینیستی همزمان بود.

زنان در طول تاریخ، حافظ صلح و آزادی بودند. زنان و آنان را این منافع زمانی، در نهادهای مشاهده می‌کنیم که برای صلح‌جویی و آزادی سخن می‌گویند و می‌کوشند فراتر از سخن می‌گویند.

زنان در کشورهایی که صلح و تهاجم بود به مردان پیوستند. حتی در دفاع از سرزمین‌هایشان نقش داشته‌باشند. زنان را با گرسنگی و رعبت نظامی در صف مقدم جبهه‌ها، اسلحه‌ها در دست گرفتند. عدای در خانه‌ها، کارخانه‌ها و سازمان‌های حضور یافتند که از نیروهای مدافع کشورشان پشتیبانی می‌کردند. زنان در کارخانه تولیدات تسلیحات جنگی مشغول شدند، در نیروی دریایی حضور یافتند، در بیمارستان‌ها به مجروحان جنگی کمک رساندند و خدمات پشتیبانی خود را انجام دادند. تصویری از زنان داوطلب انگلیسی در جنگ نشان‌روشنی است از این که زنان وطن‌دوست با رعبت نظامی در جبهه‌ها و در دفاع مشغول بودند. آنها جلوی دوربین لیکندهی از رضایت بر لب دارند؛ رضایتی که این‌ها توانسته‌اند در کنار مردان برای آینده کشورشان نقش ایفا کنند.



واره

یتیم‌نوازی؛ از تلاش‌های فردی تا دارالایتام



ماهیچه نهرانی | با دوست‌داری دل‌نرم شود حاجت خود‌دریابی؟ بر یتیم‌توحه کن وی را تالوش کن و از غایب خویش به او بیخبران تالاش‌نرم شود حاجت خود‌دریابی؟ این سخن از پیام‌بزرگ اسلام است. ایشان در جای دیگر می‌فرماید: هنگامی که یتیمی گریه می‌کند، عرش خدایه‌زنده از گریه او لرزه می‌گیرد. و تعالی می‌فرماید: چه کسی بنده مرا که پدر و مادرش را از خود دمالی از او گرفته که بر او رده به عزت و جلال‌موسد، هر کس او را ساکت کند، بهشت را بر او واجب می‌کند. بر اساس این توصیه‌ها است که یتیم‌نوازی در این اسلام بسیار مورد توجه است. امیر مومنان سر لوحه‌ها از چنین کار نیک‌گویی است. تا جایی که در دوران آن بزرگوار، دیگران در دل از روی می‌کردند یتیمی، مورد مهر و توجه آن حضرت‌تاشد.

نگاه به قوانین کشورهای اروپایی به‌ویژه فرانسه، قانونی با عنوان حمایت از کودکان کار، بر سرست در بیست و چهارم فروردین به تصویب رسید. در بحبوحه چنین مشروطه و تشکیک‌یافته‌های مدنی، مشکلاتی مانند ناسازگاری کودکان یتیم با خانواده‌ها و مشکلات اقتصادی زنده و سختی زندگی سبب شد و وضعیتی پریشان و ناسازگار برای یتیمان رقم بخورد. از این رو، بنده تا زمان تهاون با مشاهده این نوع مشکلات از تصمیم‌برآمد در این‌ها گندم در ری، یتیم‌خانه‌های بزرگ و یتیم‌خانه‌های کوچک را برعهده‌گردید. با نماندن این یتیم‌خانه، یتیمان را فراموشی آموزش‌هایی مفید و مختلف مشغول شدند. برای اختراع کارگاه‌های بافتنی برپا شد. همچنین خیاطی، کالوژی و آتزیزی به آنها آموزش داده می‌شد. پس از آن نیز به فراموشی فنون آشپزی، نجاری، بنایی، نقاشی، فرآوردن‌ها شدند. این یتیمان به سرپرستی، پس از آن که به سن بلوغ می‌رسیدند، با کمک دیگر آژوچی می‌کردند و آنها که معلول بودند و توانایی چرخاندن چرخ زندگی را نداشتند، فسون‌لارمه می‌آموزند تا بتوانند روزگار بگذرانند. همچنین تجربه در این حوزه اما با مولی و بهره‌برداری، برخی از خانواده‌های ایمن می‌خواستند از زیر بار مسئولیت‌بزرگ‌کردن کودکان خود خسته‌حالی کنند و از آذانه به زندگی

امیدات ایران، بستر بازآزاده‌گویی‌ها و امثال اخلاقی و ایدل‌های انسانی و مذهبی است. یتیم‌نوازی در این کشور از جمله کارهای حسنه‌تصور شده است. آنچه از قلم سمدی سخن‌سرای سده هفتم تالوش کرده است از این معنی خالی نیست. او در سوره‌های از یتیم‌نوازی با همسان بن‌ماهه مذهبی به‌تر گفته «دیدم مردی بسیار مسکین (مسکین) ایگوتنه می‌سراید: بکن - چوبینی یتیمی سرفراقتده پیش ازمن بوسه بر روی فرزند خویش... یتیم از برگرد که تراش خود؟ او هرگز خمیده‌گرد که برایش بود؟... سمدی، خودداری از محبت و حضور پدر را در تجربه نداشتن قرار می‌دهد. یتیم‌نوازی را با آستانه به سخن پیامبر (ص) تصویر می‌کند: «نگاه‌سرای تاچر داشته که سر بر کنار بند داشته. اگر بر وجودم نشستی (نگاه بر حسن شادی خاطر چند - کون دشمنان که برنده‌اسم را نشاندگی از دوست‌تام‌نصر - برایشان در مدظنان خیر که در طفلی از سر بر قلم پدر - یکی قرار می‌دهد. یتیم‌نوازی را با آستانه به سخن سمدی گفتند و در روزهای جمیع اگر آن خاز بر من چکل چام‌بویه».

علیت بخیر شدن و به‌وجود پدیدترین در نتیجه یتیم‌نوازی، به شیوه‌های گوناگون در مومن دیگر از جمله نوشته‌های مذهبی بازتاب یافته است. در آن‌ها از مفوی که روح مذهب تشییع بر یکم ایران گسترده شده علامه مجلسی، درباره شرح عبدالله سترسی می‌سویسد: «او در طفلی و فیضیت دارای مقام والایی است. وقتی که به جوار رحمت خدا رفت، یکی از علمای او را قبول دید که وضع خوب و صلح یافتگی که بود. با او شوی که به چه می‌سویسد. کودکی را مخفیانه، گله‌ها با روش‌هایی ساختگی، کودکی را به عنوان فرزند خود می‌پرورند. حتی مشاهده شده که افرادی باعث خسودهای از اقوام یا آشنایان، فرزند آنها را از نزد بزرگی می‌کنند. این وضع در کمال از فاصله و مقرراتی نیست نمی‌کرد تا آن که در سال ۱۲۵۴ خورشیدی با

گذری بر همیاری و همدلی، ترکم‌ها در سوگ در گذشتگان هدیه و نذر و آشتی در عزاء، غم‌ها را می‌روید

در خانواده صاحب عزاء گرد می‌ایند تا از جوان نعمتی که برقرار شده است، بهره‌های بگیرند. ترکم‌های تر بخام با تعیین سر گروه‌های، از هر خانه، مبلغی برای خانواده فرد در گذشتگی جمع می‌کنند تا خانواده صاحب عزاء در مخارج برگزاری مراسم ترنم‌راند. این افراد، از نشان‌های ترکم‌های تر تا آید مورد پادشده اینگونه نوشته است: «از صبح فردای روز عزادای از اهالی



مرازم گردآید تا شخصی در گذشته در میان ترکم‌ها ایران، از جمله سنت‌هایی است که همدلی و همیاری آنها را برپا می‌کند. این آیین، برنامه‌هایی ریما یا تلی‌های وندوئی از احساسات انسانی را از خود دارد. پدیددهی که با شریفات سنگینی امروز در بیشتر فرهنگ‌های مغرب‌داری و نشانه‌توجهی بوده است. ترکم‌ها برای تبریک‌های روز، در روزهای عزاداری، یا به مناسبت‌های دیگر، در روزهای پادشده برای مدینه‌نذری می‌یازند. نزدیکی و احساسات هم‌چنین برای همدلی با خانواده صاحب‌عزاء تا چه‌چلیمن روز در گذشته، ساز و آواز گشود نمی‌دهند و مراسم جشن برپا می‌کنند. گوشه‌ای دیگر از این همدلی و همیاری مربوط می‌شود به این که تا سوم فرد در گذشته، در خانه صاحب عزاء غذا نمی‌پزدند و در آن مدت همسایگان برای آن خانواده غذا تهیه می‌کنند. نه همچون بسیاری از خانواده‌های شهرستانی در شهرهای کوچک و بزرگ که همه